

نمی شد انتظار داشت در زمان مناسب انگیزه ای قوی برای تسلیم شدن داشته باشند. دولت افغانستان تحت حمایت شوروی سه سال پس از خروج شوروی دوام آورد و در واقع از خود اتحاد جماهیر شوروی بیشتر دوام آورد که تفسیری گویا از زوال نسبی «دولتی» است که ایالات متحده و شرکای آن از سال ۲۰۰۱ تلاش کردند ایجاد کنند. در سفرهایی که با مجاهدین داشتیم، در مارس سال ۱۹۸۹ در نبرد سختی در جلال آباد همراهی شان کردم و شاهد عقب نشینی شوروی و بیداری نیروهای دولت افغانستان بودم که چگونه با حمله ای گسترده مجاهدین را شکست دادند، ولی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن کمک های شوروی در دسامبر سال ۱۹۹۱، جنگ بسیار کمی به وقوع پیوست. فرماندهان دولتی از ژنرال عبدالرشید دوستم (که از سال ۲۰۰۱ طرف امریکایی ها بود و سیال بودن تبعیت افغان ها از آنان را به تصویر می کشید) گرفته تا دیگران، یا سربازان خود را به سمت مجاهدین فرستادند یا فرار کردند و به خانه هایشان بازگشتند و این کاری بود که برندگان جنگ اجازه اش را داده بودند.

کابل در سال ۱۹۹۲ دست نخورده به تصرف مجاهدین درآمد. اکنون نیز همان گونه به دست طالبان تصرف شده است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ در حالی که در بعضی از مناطق طالبان با مقاومت شدید روبه رو بود، در جاهای دیگر پادگان های دشمن بدون جنگ تسلیم شدند و در بسیاری از موارد به طالبان پیوستند.

معاملات بین نیروهای افغان و طالبان در طول جنگ ایالات متحده در آثاری مانند جنگ به گرمسیری آید اثر کارتر ملکاسیان و جنگ صمیمی اثر سرباز بریتانیایی مایک مارتین شرح داده شده است. گزارش شبکه تحلیلیگران افغانستان چنین توافقی را در سال ۲۰۱۸ در ولایت پختیا شرح می دهد:

«حاجی علی باز، یکی از بزرگان قومی محلی به آکادمی نورولوژی امریکا (ANN) گفت که توافق شده است حضور دولت به مرکز افغانستان محدود باشد و هیچ یک از طرفین به مناطق تحت کنترل دیگری وارد نشوند. این توافق منجر به برچیده شدن همه پاسگاه های امنیتی بیرون از منطقه مرکزی شده است. به قول حاجی علی باز این امر به جنگ که «مردم را به زحمت انداخته بود» خاتمه داد.»

بر اساس گزارش واشنگتن پست اخیراً پس از اینکه دولت بایدن در ماه آوریل اعلام کرد نیروهای ایالات متحده در حال عقب نشینی هستند، «تسلیم شدن ها سرعت گرفتند.» از نظر من جامعه افغانستان یک «موضوع دائمی گفت و گو» است. اتحادها دائماً تغییر می کنند و مردم، خانواده ها و قبایل بر اساس خطری که آنها را تهدید می کند، محاسبات منطقی انجام می دهند. این بدان معنا نیست که افغان هایی که چنین تصمیماتی را گرفته اند، به خاطر کاری که فکر می کنند به نفع شان است، مقصودند. نکته این است که فرماندهان و مقامات امریکایی یا به طور کامل این جنبه ها از واقعیت افغانستان را درک نکرده اند یا در گزارش صادقانه به دولت های ایالات متحده، کنگره و افکار عمومی ناکام مانده اند.

می توان بین این عدم درک و میزان وحشتناک غافلگیری در رویدادهای چند روز گذشته مرز روشنی را ترسیم کرد. امریکا این فروپاشی ناگهانی را پیش بینی نکرد، در حالی که هم می توانست و هم باید این کار را می کرد و این پایان تأسف بار جنگی بود که از ابتدا به علت عدم درک واقعیت های افغانستان محکوم به شکست بود.

پی نوشت:

زمان نوشته و این آدر که بر اساس آن در سال ۱۹۸۹ یک کمدی طنز تلخ ساخته شد. (مترجم)

[1] <https://www.politico.com/news/magazine/2021/08/16/afghanistan-his-tory-taliban-collapse-504977>

Anatol Lieven [۲]

آتول لیون یکی از اعضای ارشد مؤسسه کوئینسی برای حکومت داری مسئولانه و نویسنده کتاب «پاکستان: یک کشور سخت». از سال ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۹۸ به عنوان روزنامه نگار در جنوب آسیا، اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی کار کرد و جنگ های افغانستان، چین و جنوب قفقاز را پوشش داد.

شمس الدین قری